

## بحث پیرامون شاهنامه فردوسی

جای سخن نیست که شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی یکی از آثار ارزنده حماسی جهان و زبان شیوای پارسی را شاهکاری جاویدان است. این اثر گذشته از منزلت و رفعت ادبی، رکن رکن قومیت و حصن حصین ملیت قوم بزرگ ایرانی بشمار میرود که باید حریم عزت و حرمت آنرا بواجبی شناخت و نسل جوان کشور را بمظمت و ابهت و فخامت و جلالت قدر و مرتبت آن آشنا ساخت. بنابراین جا دارد پاکدلان و پاکیزه جانان عالم و محقق که بزبان شیوای دری عشق میورزند و بفرهنگ گرانمایه و بلندپایه قوم ارجمند ایرانی تقاضا میکنند، پیرامون این اثر نفیس، از جنبه های مختلف، تحقیق و تتبع و استقصاء بعمل آورند و حاصل تحقیقات عمیق و مطالعات دقیق خود را عرضه بدارند تا در شرح حال و سرگذشت زندگی این گوینده نامدار و اثر فنا ناپذیر ولایزال او نکته ای تاریک و مبهم و پیچیده و پنهان نماند.

نامه تحقیقی گوهر، پاسدار شعر و ادب و فرهنگ و تاریخ ایران زمین، بحث در باب شاهنامه را، بهر صورت و حال گشوده است و از همه کسانی که، بمروور زمان، در این اثر بزرگ و پدید آورنده بزرگوار آن مطالعه ای و تحقیقی و نظری و اثری دارند خواستار است بر ما منت گذارند و آنها را برای درج بفرستند.

«گوهر»

## اصول تهیه متن انتقادی شاهنامه فردوسی

در مطبوعات فارسی اخیراً چند مقاله توسط آقای مجتبی مینوی استاد ممتاز و محترم دانشگاه تهران درباره «شاهنامه» حکیم فردوسی به رشته تحریر درآمده است و از متن انتقادی «شاهنامه»

\* آقای پرفسور محمدنوری عثمان اوف، مدیر گروه متون فارسی انستیتوی خاورشناسی مسکو - از ایرانشناسان محقق و نامدار معاصر.

که حاصل چندین سال رنج شبانروزی استادان تحقیق و دانشمندان دقیق شوروی است، بتعریض ایراد و انتقاد بسیار دیده شده است. از آن جهت که شاید بسیاری از فارسی زبانان از خصائص کار و شیوه تصحیح و ابتکار محققان شوروی و اهمیت و اعتبار متن مصحح شاهنامه باخبر نباشند خود را به ذکر حقایق چند درین باب ناگزیر می بینم.

نخستین نکته گفتنی این است که مصححان و محققان شوروی هیچ وقت و هرگز متن مصحح خود را متن نهایی و غیر قابل تغییر ندانسته اند و کار خود را پایان کار و اهتمام در باب، نهیاً متن نهایی «شاهنامه» به حساب نیاورده اند، بلکه این متن را سرفصل کاری دور و دراز و آغاز راهی طولانی شمرده اند. نشانه این اعتقاد تجدید نظر و تجدید طبع و نشر این متن است<sup>۱</sup> زیرا طبع نخستین بعد از گذشتن اندک مدتی بکلی نایاب شد. محققان شوروی در تجدید طبع هر نظر تازه ای را که به بهتر ساختن این متن مدد کند با کمال امتنان می پذیرند و در این طبع و طبع های بعد در متن نخواهند افزود.

آیا این تجدید طبع با توجه به تجدید نظرهایی که در متن شده است، نشانه فروتنی و بی ادعایی محققان شوروی نیست و آیا این اهتمام مداوم و این کار و کوشش دائم ما در پیراستن و آراستن بزرگترین اثر شعری و حماسی فارسی خدمتی به ادب و شعر کهن و ریشه دار فارسی و ایرانی به شمار نمی آید؟

از مقالات آقای مینوی چنین برمی آید که ایشان با اصول علم متن شناسی که در روزگار ما تا حدی وسیع و گسترده شده است، چنان که باید، آشنایی کافی و لازم ندارند. در این زمینه بهتر بود مسائل مربوط به انتقاد ایشان را با توجه به نکته های مربوط به تصحیح و متن شناسی، جزء به جزء، مطرح میکردیم. اما متأسفانه ایشان در نوشته های خود مسائل را به صورت کلی و اجمال طرح کرده اند و بیشتر اتمامشان برای عیب جوئی و طرد و رد کار ما مصروف شده است، بی آنکه بموارد خطا یا قصور یا نقص متکی شده باشند، در حالی که خاصیت اصلی و ذاتی انتقاد این است که دقیق و مشخص و نشان دهنده موارد نقص و ضعف کار باشد. قسمتی از عبارت ایشان چنین است: «ولی در عمل دیدیم که اغلاط محققین شوروی در خواندن، در ضبط و جا بجا کردن آیات بقدری زیاد است که نمیتوان این شاهنامه را هم نزدیک به آنچه فردوسی ساخته است، دانست» (روزنامه «اطلاعات»، ۱۴ آبان ماه ۱۳۵۲، صفحه ۱۲).

۱- این تجدید طبع هم اکنون با همکاری کتابخانه پهلوی، بمدریت جناب آقای شجاع الدین شفا، معاون فرهنگی دربار شاهنشاهی و رئیس کتابخانه پهلوی انجام می گیرد. جلد نخستین از چاپ خارج شده و جلد دومین زیر چاپ است و هشت مجلد دیگر نیز بمروار انتشار خواهد یافت و بدین طریق یک دوره کامل شاهنامه، بروشن تحقیقی، در دسترس شیفتگان این حماسه بزرگ جهانی گذاشته میشود. «گوهر»

به نظر خواننده دقیق و همه کسانی که اهمیت علمی و صلاحیت تحقیق و اظهار نظر دارند، از این عبارت حقیقت علمی کار «شاهنامه» آشکار نمی شود و این کلی گوئی و طرد و عیب جویی از اعتبار کار به هیچ وجه نمی کاهد. البته من قصد نداشتم هرگز از در بحث و مجادله بر آیم و به ایرادهای غیر علمی و اعتراض های کلی ایشان پاسخ گوئی کنم. ای کاش این منتقد گرامی تقدم و حق کسوت و خدمت استاد فقید ما بر تلس را نادیده نمی گرفت و روش کار و ابتکارات علمی و تحقیقی آن ایران شناس بزرگ را از نظر دور نمی داشت! ایشان با آنکه نامی از این مرد بزرگ به میان نیاورده اند، از روش کار او استفاده بسیار کرده اند. این عمل از لحاظ امانت علمی و اخلاق ادبی درست نیست؟

شاید برای خواننده این بحث، تعجب آور باشد که ما با کمال فروتنی و صمیمیت حاضر بودیم برای تنقیح و تصحیح «شاهنامه» همکاری آقای مینوی را قبول کنیم ولی ایشان باین همکاری تن در ندادند و نه تنها دست تمنای ما را رد کردند بلکه بر آتش اشتیاق و علاقه ما آب سردی اعتیابی و طعن و عتاب فرو ریختند.

آکادمسین بر تلس، رهبری ما را در تهیه متن «شاهنامه» بعهدہ داشت و متن ما در نتیجه ارشاد و راهنمایی آن مرشد فقید از سه امتیاز برخوردار است که بذکر آنها می پردازیم:

۱- بر تلس پس از سالها مطالعه به این نتیجه رسید که در تهیه متن «شاهنامه» فقط باید از «شاهنامه» بایسنقری استفاده کرد، زیرا آن نسخه مشحون از ملحقات است و نسخه های بعد از آن نیز دستخوش این گونه تصرفات و آمیخته به ملحقات شده است. و ما می دانیم که اساس کار آقای مینوی در تهیه متن «شاهنامه» پیروی بدون شکر گزاری از همین نظر بر تلس است بدون آنکه از صاحب اصلی این روش و نظر نامی بمیان بیاورند یا متذکر شوند که متن «شاهنامه» مسکوب بر اساس همین نظر بنیاد یافته است. عقیده ما این است که هیچ کوشش در زمان ما از صفر آغاز نمی شود و بنا بر این تصحیح متن «شاهنامه» نیز از این قاعده بیرون نیست و انصاف و امانت حکم می کند که هر کس در کار خود به زحمت ها و کوشش های پیش از خود پیوسته اعتراف کند و سپاس گزار و شاگرد متقدمان باشد و هرگز زحمات و ابتکار کسانی را که از خرمن کار و کردارشان خوشه چینی کرده است، در حساب خود بینی و بخود خواهی و غرور و گمراهی، پنهان نکند.

۲- آکادمسین بر تلس، دانشمند دقیق و هوشیار ما، نسخه موزه بریتانیا را عالی و صحیح و خوب و قابل اعتماد تشخیص داده بود و عقیده داشت که این نسخه که در تاریخ ۶۷۵ هجری به تحریر آمده باید اساس متن ما باشد و این تصمیم را، علی رغم نظر بزرگترین خاورشناس جهان نولدکه که نسخه مذکور را فاقد ارزش و اهمیت شناخته، با جرات و جسارت و از روی کمال دقت و هوشیاری اتخاذ کرد. آقای مینوی هم، بیست و یک سال پس از بر تلس، همین تصمیم را در اساس قرار دادن نسخه موزه بریتانیا اتخاذ کرده است، بی آنکه به این تقدم تصمیم و فضل تقدم هیچ اشاره ای کند یا سخنی در حق شناسی و اعتراف به صحت و دقت نظر بر تلس اظهار دارد.

۳- نظر دیگر بر تلس که در متن شناسی جهان بکلی تازگی داشت این بود که او معتقد بود اگر نسخه‌ی به‌دست‌گوشیده، یا حداقل در زمان او، تحریر نیافته باشد، بر اساس آن هرگز نمی‌توان مدعی شد که می‌توان متن‌نهایی و عین و حتی نزدیک به نسخه‌ی اصلی فراهم کرد. این نظر اکنون مقبول خاص و عام است و کسی مخالف و منکر آن نیست و بر اساس همین روشن بینی است که دیگر نمی‌توان اقوال بی‌پایه و کلی‌گویی‌های بی‌اساس را مانند این که بگویند «فردوسی چنین نمی‌گفته است یا، این بیت نمی‌تواند مال فردوسی باشد» قبول کرد و کار تصحیح متن از مرحله‌ی این تخمین‌های غیرعلمی و بی‌پایه فراتر رفته است.

این سخن را که بر تلس اول بار در سال ۱۹۵۱ اظهار داشته‌است، اکنون پس از سالها، آقای مینوی اظهار می‌کند که نمی‌توان، بدون در دست داشتن نسخه‌ی شاعر یا تحریر زمان او، متنی نهایی تهیه کرد و فقط می‌توان متنی نزدیک به آنچه فردوسی ساخته‌است، آماده کرد. بنابراین ایشان مطالبی را عنوان می‌کنند که جزو ارکان و اصول تصحیح متن «شاهنامه» مابوده است.

بر تلس متن ما را مرحله‌ی نخستین تهیه «شاهنامه» شناخت و تأیید کرد که بعد از چاپ آن، هر وقت نسخه یا نسخه‌های تازه به‌دست افتاد باید درین متن تجدید نظر کرد و کار تصحیح را همچنان ادامه داد و پس از دست یافتن به متن مطمئن و قابل اعتماد، فرهنگ کاملی از «شاهنامه» فراهم آورد و موارد مشکوک و نامطمئن را از روی آمار واژه‌ها و ترکیبات فرهنگی، نامه تصحیح کرد. پس مهمترین اصول تصحیح متن ما را، آقای مینوی، پذیرفته‌اند، چونکه در هیچ مورد فضل تقدم و حق ابتکار ما را رعایت کنند ولی کاش به همین بی‌انصافی اکتفا می‌کردند و بر زحمات و کوشش‌های چندین ساله جمعی از محققان که بهترین اوقات خود را صرف تهیه و تصحیح اصیل‌ترین و معتبرترین متن فارسی کرده‌اند، خط بطلان و قلم نقصان نمی‌کشیدند و به بی‌رحمانه‌ترین بی‌انصافی علمی و ادبی دست نمی‌زدند، اقدامی که اکنون ماهرگز با نظیر آن روبرو نشده‌ایم، در حالی که انتظار داشتیم بعد از آن همه زحمت و علاقه و عشق و اشتیاق که از خود نشان دادیم، اگر مورد تشویق و تحسین ادبای ایران قرار نمی‌گیریم، محل طعن و عتاب و لعن و خطاب بعضی بسیار معدود از آنان واقع نشویم.

در حال حاضر دو سبب ما را برانگیخته است که در متن خود تجا بد نظر کنیم و با همکاری کتابخانه پهلوی به تجدید طبع و نشر آن همت گماریم:

۱- در دو جلد اول و دوم «شاهنامه» نقیصه‌هایی چند موجود بود که عمرا استاد فقید ما بر تلس به‌دفع آن‌ها و فائز کرد و مصححان برای ارتقای آن‌ها تجربه‌ی کافی نداشتند و آن خطاها همچنان باقی ماند. البته در جلد سوم، این موارد بسیار کم به نظر می‌رسد، خاصه آنکه از همکاری مرحوم نوشین نیز در ادامه کار و تصحیح متن برخوردار شدیم و امتیازات تازه‌ی ازین همکاری صمیمانه و از نظرهای دقیق و عمیق او به‌دست آوردیم.

۲- بعد از نشر متن، نسخه‌های تازه به‌دست آمد و ما به توصیه بر تلس و به حکم وظیفه و وجدان

علمی بر خود فرض می‌دانیم که از آنها استفاده کنیم .

در تجدید طبع از این نسخه‌ها نیز استفاده کرده‌ایم و در راه همین کوشش صمیمانه از آقای مینوی در خواستیم که عکسی از نسخه‌های نفیس خود در اختیار ما قرار دهند و بجای مسابقه و رقابت اجازه دهند که همکاری و صمیمیت حکمفرما باشد. متأسفانه ایشان بالحنی تند به این خواهش ما پاسخ رد دادند. وقتی ما به کار تصحیح «شاهنامه» اشتغال داشتیم بعضی از دانشندان ایران، عکسهائی از نسخه‌های ما خواستند و ما بی‌دریغ در اختیارشان گذاشتیم و هیچ فکری هم از رقابت نکردیم. شاید این جواب رد و تندی لحن آقای مینوی، مکافات آن صمیمیت و همکاری است که در کارهای علمی در نظر ما گذشت و البته فداکاری بحساب نمی‌آید، بلکه نشانهٔ علاقه و علامت اشتیاق به رسیدن به سرمنزل مقصود مشترک و هدف یگانه است .

اکنون هر چند خود را از این همکاری و صمیمیت دور افتاده و مهجور می‌بینیم اما از رسیدن به آرزوی دیرین خود که تهیهٔ متن نهائی و حداقل نزدیک به زبان و زمان فردوسی است ناامید نیستیم .

آن چه مورد قضاوت و محل داوری و حکمیت دانشمندان و محققان بصیر و بی‌نظر همهٔ جهان قرار خواهد گرفت ، متن محصل و دقیق و صحیح «شاهنامه» است نه سخنوری و تبلیغ و نطق‌های رادیو تلویزیونی و مقالات .

\*\*\*\*\*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
در دنبال کمبود زندگی

یافت پالان، گرگ خر رادر ر بود  
آبر چون یافت، خود کوزه شکست

آن یکی خر داشت پالانش نبود  
کوزه بودش آب می‌نامد بدست

مولانا جلال‌الدین مولوی. قرن ششم